

سیر تکاملی تحقیقات اجتماعی در حسابداری مدیریت
قاسم سلیمانی¹ سجاد کریمی² نوید خالقی³

چکیده

امروزه حسابداری مدیریت برای گروه قابل ملاحظه ای از محققین، اندیشمندان و صاحب نظران در حرفه حسابداری به عنوان یک علم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. این امر از تکامل تدریجی دیدگاه های اقتصادی نسبت به مسائل اجتماعی محور ناشی می شود. با استفاده از تئوری Bunge نشان داده می شود که نقطه اوج این دیدگاه در سال 1980 می باشد. تا سال 1980 تحقیقات انجام شده در حرفه حسابداری اغلب به خاطر مقاصد اقتصادی و کسب سود بود. تا این زمان رشد علمی در حسابداری مدیریت بصورت سطحی بوده و هیچ رشد قابل توجهی در درون و محتوای این شاخه از حسابداری صورت نگرفته بود. به عبارت دیگر تا این زمان تنها مقاصد اقتصادی در رشته حسابداری مدیریت مورد توجه بوده و بصورت یک بعدی (بعد اقتصادی) رشد کرده بود. پیدایش واحدهای اقتصادی نوظهوری که مسائل اجتماعی را نیز در برنامه های تحقیقاتی خود مدنظر داشتند، سبب شد که حسابداری مدیریت در سال 1980 از جنبه رشد تک بعدی خارج شده و محتوای علم حسابداری مدیریت دچار تحولات گسترده ای گردد. تجزیه و تحلیل های اجتماعی- اقتصادی در هر دو نوع تحقیقات تفسیری و تحقیقات انتقادی گسترش یافته و اهداف اقتصادی و اهداف شناختی بطور همزمان مورد توجه قرار گرفتند. در این مقاله این موضوع مورد توجه قرار می گیرد که اگر حسابداری مدیریت بخواهد به عنوان یک علم اجتماعی تحکیم یابد، نیازمند اندیشه ای پویا و بین رشته ای است و باید در هر دو بعد تئوریک و عملی از این اندیشه استفاده نماید. رویکردهای اقتصادی و رویکردهای اجتماعی در حسابداری مدیریت باید بطور همزمان توسعه یافته و با یکدیگر هماهنگ شوند.

واژگان کلیدی: حسابداری مدیریت، علم اجتماعی، رویکرد اقتصادی، رویکرد اجتماعی

مقدمه

بخشی از حرفه حسابداری با استفاده از مسائل و موضوعات اجتماعی دچار تحول شده و توسعه یافته است. تحقیقات جدید از مزایای علمی که ممکن است از تعمیم حوزه مطالعات حسابداری از بعد اقتصادی⁴ به بعد اجتماعی⁵ ناشی شود، حمایت می کنند. در عصر حاضر چشم انداز و رویکرد مطالعات حسابداری مدیریت دچار تحول شده است. اغلب تصورات سنتی (ارتدکسی) بر جنبه های اقتصادی و مفاهیم کسب سود در حسابداری مدیریت تأکید می کنند. این در حالی است که رویکردهای غیرسنتی (غیر ارتدکسی)⁶ بر جنبه های اجتماعی از قبیل فرهنگ، ایدئولوژی، قدرت، ارتباطات اجتماعی و تأکید و تمرکز دارند.

در میان رویکردهای غیرارتدکسی (غیر سنتی) جنبه های انتقادی این موضوع را بیان می کنند که حرفه حسابداری نه تنها باید با مفاهیم و موضوعات اجتماعی آشنایی داشته باشد، بلکه باید در هنگام پیامدها واکنش نشان داده و اقدام کند. گرایش های اجتماعی جدید در حسابداری موقعیتی را فراهم نموده است تا در جایگاه علمی حسابداری مدیریت تجدید نظر کنیم. در این مقاله ما درباره سیر تکاملی حسابداری مدیریت بعنوان یک علم خصوصاً بعنوان یک علم اجتماعی گفتگو می کنیم و موقعیت تحقیقات جاری انجام شده در حسابداری مدیریت مورد ارزیابی قرار می گیرد. تئوری

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی - دانشگاه اصفهان

² دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری - دانشگاه اصفهان

³ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری - دانشگاه اصفهان

⁴ economic dimension

⁵ Social dimension

⁶ non - orthodox

Bunge تجزیه و تحلیلی از جهت گیری، کیفیت و اهدافی که فعالیت تحقیقی علمی دارا می باشد، ارائه می کند. این تحقیق ما را قادر می سازد تا موقعیت علمی جاری و تکامل تدریجی امکان پذیر حسابداری مدیریت را ترسیم کنیم.

توسعه ی علمی در حسابداری مدیریت

چارچوب نظری تئوری Bunge:

پارادایم یا تئوری معروف کوهن⁷، عقیده غالب در جامعه حسابداری در طی سال های متمادی بود. رساله کوهن درباره دوره های علوم عادی و دوره های بحرانی می باشد. او در این رساله در باره چگونگی و مسیر توسعه علوم بحث و گفتگو می کند. Bunge اصولی را به عنوان مرجع برای توسعه و گونه شناسی تحقیقات در علوم اجتماعی ارائه نمود. چارچوب ارائه شده توسط Bunge از دو قسمت تشکیل شده؛ نخست او دو نوع برنامه (1) برنامه تحقیقی سطحی⁸ و (2) برنامه تحقیقی محتوایی (عمقی)⁹ را در مسیر تکاملی علوم معرفی کرد:

برنامه تحقیقی سطحی در برگیرنده یک نوع رشد در علوم می باشد که تنها آن علم را در حوزه های شناخته شده قبلی گسترش می دهد و هیچ نوع چشم انداز و رویکرد جدید را در آن علم معرفی نمی کند. در برنامه تحقیقی سطحی هسته اعتقادات در آن علم مورد توجه قرار نمی گیرد؛ این در حالی است که برنامه تحقیقی محتوایی موجب پیدایش چشم اندازها و دیدگاه های جدید ناشی شده از اطلاعات موجود می شود. به عبارت دیگر برنامه تحقیقی عمقی موجب مقیاس بزرگتر رشد و توسعه در علوم می شود.

با توجه به دو برنامه تحقیقی اشاره شده، دو نوع پیشرفت: (1) پیشرفت سطحی و (2) پیشرفت عمقی (محتوایی) نیز در علوم ایجاد می شود.

پیشرفت سطحی در هر علمی ضروری و لازم می باشد، اما کافی نیست. ما زمانی می توانیم از علم انتظار تکامل داشته باشیم که تحقیقات انجام گرفته وسیع، عمیق و محکم باشند و این امر تنها زمانی اتفاق می افتد که پیشرفت یک علم تنها در عرض صورت نگیرد بلکه عمق و ژرفای آن علم نیز توسعه پیدا کند.

بخش دوم تئوری Bunge وارد حوزه اجتماعی می شود. هر تحقیقی که یک حقیقت اجتماعی را مورد بحث و بررسی قرار می دهد، اغلب دو هدف اصلی: (1) اهداف شناختی¹⁰ و (2) اهداف سود مدارانه¹¹ (اقتصادی) را مورد بحث و گفتگو قرار می دهد.

هدف شناختی (درونی) «چه چیز است» را مورد بررسی قرار می دهد. این هدف، شناخت و آگاهی ما را درباره بخش مطالعه شده واقعیت اجتماعی موجب می شود. هدف سود مدارانه (بیرونی) درباره «چه باید باشد»، صحبت می کند. هدف دوم یا هدف سود مدارانه به توسعه و پیشرفت علوم و تکنولوژی کمک شایانی می کند که این پیشرفت علوم و تکنولوژی نیز به نوبه خود سبب افزایش رفاه اجتماعی می شود.

از دیدگاه Bunge تحقیق در علوم اجتماعی می تواند هر فعالیت یا کاری که بوسیله یک محقق انجام می شود تا درباره یک پدیده خاص شناخت و درک بیشتری حاصل شود تعریف می گردد. این تعریف دربرگیرنده مدل های تئوریک مختلف برای تشریح موقعیت یک پدیده می باشد.

یک علم اجتماعی باید هر دو هدف سودمدارانه و شناختی را دربرگیرد. برای اینکه توسعه علوم اجتماعی به گونه ای صحیح و درست انجام پذیرد، باید هر دو هدف سودمدارانه و شناختی به گونه ای متقابل با هم ارتباط نزدیک داشته و به هم وابسته باشند. مطالعات شناختی به منظور درک هدف

7. Kuhn

8. on – surface research program

9. in – depth research program

10. objective

11. utilitarian

مطالعه انجام می شوند. در اینگونه مطالعات، تحقیقات بر پایه چارچوب مفهومی ایجاد شده بوسیله مطالعات سودمدارانه انجام می شوند. مفروضات تئوریک مطالعات سودمدارانه به ساختن فرضیات جزئی و ریز کمک می کند. همچنین مطالعات سودمدارانه، ساختاری تکنیکی جهت مطالعات شناختی فراهم می کنند.

بطور متقابل رویکردها و مطالعات سودمدارانه نیز نمی توانند یافته های حاصل از مطالعات شناختی را جهت تکامل و توسعه خود و ایجاد نوآوری ها نادیده بگیرند. مطالعات شناختی پایه و مبنایی برای تکامل، توسعه و نوآوری مطالعات سودمدارانه هستند. آنها منبعی از اطلاعات درباره ضعف ها، بی نظمی ها و حالت های غیرعادی که در مدل های سودمدارانه وجود دارند، ارائه می کنند.

زمانی که درباره هدف سودمدارانه (بیرونی) یک علم مبالغه شده باشد، ضعف و شکاف میان فعالیت تحقیقی انجام شده و کاربرد عملی این تحقیقات آشکار می گردد. همچنین اگر اهداف یک علم صرفاً بر روی مسائل معرفتی (هدف شناختی) موضوع تحت مطالعه تأکید کند، راه حل های بدست آمده قادر به کنترل مشکلات بوجود آمده در عمل نخواهند بود و در نتیجه نتایج بدست آمده واقعاً کاربرد کمتری خواهند داشت. از این رو لازم است هر دو جنبه فعالیت علمی (شناختی و سودمدارانه) بطور هماهنگ توسعه و تکمیل شوند.

حسابداری مدیریت و تطابق با تئوری Bunge

Bunge میان دو نوع از تحقیقات تمایز قائل می شود. دسته اول از این تحقیقات به اهداف وابسته می باشند. این نوع تحقیقات معمولاً در علوم اجتماعی انجام می شوند و دربرگیرنده تحقیقات شناختی و تحقیقات سودمدارانه می باشند. دسته دوم تحقیقات از دیدگاه Bunge عبارتند از تحقیقات عمقی و تحقیقات سطحی. این دیدگاه Bunge جهت تشریح این موضوع که چگونه یک علم توسعه می یابد، مورد استفاده قرار می گیرد. اصول و چارچوب ارائه شده توسط Bunge به ما اجازه طبقه بندی تحقیقات انجام شده در علم حسابداری مدیریت را می دهد. این طبقه بندی بصورت چهار ناحیه A, B, C, D مشخص می شود:

طبقه بندی تحقیقات در حسابداری مدیریت

هدف تحقیق	رشد ناشی از تحقیقات انجام شده	
	تحقیق سطحی	تحقیق عمقی
تحقیق شناختی	A	B
تحقیق سودمدارانه	C	D

قسمت A در جدول فوق شامل تحقیقاتی می شود که بر تجزیه و تحلیل اینکه «حسابداری مدیریت چگونه باید باشد» تأکید می کند. این نوع تحقیق هدف سودمدارانه دارد و بر پایه یک سری اصول و مفاهیم اساسی که جامعه علمی نیز این اصول و مفاهیم اساسی را قبول دارد، استوار می باشد. قسمت A همچنین سبب یک رشد سطحی در علم می شود.

قسمت B در تحقیقات از اصول و مفاهیم اساسی جدیدی استفاده می کند و این عمل سبب رشد عمقی و محتوایی در علوم می گردد. بخش B بر روی پیشنهادات نوآورانه ای که تحت یک هدف سودمدارانه حاصل می شوند کار و تحقیق می کند. این بخش اساساً این عقیده را بررسی می کند که «حسابداری مدیریت چگونه باید باشد».

بخش C با این موضوع سر و کار دارد که «حسابداری مدیریت چگونه است». در این بخش بر روی اهداف شناختی تأکید می‌شود. بخش C که در جامعه علمی مورد تأیید قرار گرفته است، سبب رشد سطحی می‌گردد.

سرانجام بخش D دربرگیرنده مسائلی است که از یک دیدگاه اجتماعی ناشی می‌شود. این بخش دارای اصول جدیدی برای انجام تحقیقات می‌باشد. هدف نهایی بخش D ارائه تعریف تئوریک از این موضوع است که «حسابداری مدیریت چگونه است». همچنین بخش D دارای هدف شناختی بوده و موجب رشد عمقی و محتوایی در علم می‌شود.

تحقیقات اجتماعی در حوزه حسابداری مدیریت

در دهه اخیر، گروهی از محققین، اندیشمندان و صاحب نظران از این نظریه که «مزایا و منافع علمی مهم و گوناگونی می‌تواند از طریق توسعه و ترویج فعالیت های تحقیقی حسابداری مدیریت از بعد اقتصادی به بعد اجتماعی بدست آید»، حمایت و طرف داری کرده اند. مزایای فوق بدلیل کسب اطلاعات گوناگون و گران بهایی که سازمان ها و شرکت های مختلف تجاری در جنبه های اجتماعی فعالیت هایشان بدست می آورند، ایجاد می شوند. منتقدین و محققین رشته حسابداری به این نتیجه رسیدند که جهت مطالعه بهتر و عمیق تر پدیده های اجتماعی، ضروریست تا حسابداری را در عمل بهتر شناخته و درک کنیم. برای مثال به نقش اغلب دست کم گرفته شده حسابداری مدیریت بعنوان یک عامل اساسی در سازمان ها و شرکت های تجاری در حالت خاص و در جامعه در حالت کلی توجه کنید. حسابداری مدیریت در فرموله کردن فرایندهای اجتماعی و طرز کار سازمان ها کمک و راهنمایی می کند. بصورت متقابل جامعه نیز در طرز کار و حرفه حسابداری اثر می گذارد. اندیشمندی چون بلکویی¹² اثبات کردند که چشم انداز اجتماعی جدید در حسابداری مدیریت، مفاهیم بنیادین دارند. ما اکنون به بهره گیری و استفاده ای که اندیشمندان حسابداری از چارچوب تئوریک Bunge (که قبلا بیان شده) می پردازیم. چارچوب تئوریک Bunge نشان می دهد که عوامل و متغیرهای اجتماعی که بر حسابداری مدیریت اثرگذار هستند، روزبه روز در حال افزایش می باشند. این چارچوب و نظریه همچنین به یک جهت گیری مجدد در تحقیقات عمقی اشاره می کند. براساس تئوری Bunge این تحقیقات به عنوان قسمت B طبقه بندی شده اند.

اغلب متون حسابداری به محدودیت های فرهنگی و ساختاری موجود توجهی نمی کنند. مانند تحقیقات حسابداری که به گونه ای بسیار مهم در تئوری نمایندگی متمرکز شده است. (تحقیق سودمدارانه سطحی - ناحیه A). تئوری نمایندگی که بوسیله اقتصاددانان نئوکلاسیک ایجاد و توسعه یافته است، چارچوب مفیدی جهت عینیت بخشیدن به تحقیقات حسابداری مدیریت است. تئوری نمایندگی حسابداری مدیریت را به عنوان تکنیک ها و سیستم عمومی فرض می کند که اطلاعات اقتصادی فراهم می آورد. این اطلاعات کسب شده مفید می باشند. زیرا عدم هماهنگی و تناسب میان اطلاعات را کاهش می دهد. اطلاعات حسابداری می تواند جهت کنترل اقدامات انجام شده و بازده ناشی از تصمیم گیری نمایندگان مفید فایده باشد. در هر حال محققین حسابداری در طراحی مدل ها و سیستم های حسابداری مدیریت، اهمیت متغیرهای جدیدی همچون محیط، منابع انسانی، قدرت، سیاست، فرهنگ، ایدئولوژی اجتماعی، تاریخ، اصول اخلاقی و غیره را نیز در نظر گرفته اند. این محققین دریافته اند که انتخاب یک سیستم حسابداری می تواند بوسیله عواملی همچون قدرت، محدودیت های انجام فعالیت های خاص، تشویق خطوط خاص مدیریتی و غیره تحت تأثیر قرار بگیرد.

در دهه های اخیر موضوعات اجتماعی، بطور مستقیم مورد علاقه محققین حسابداری نبود اما طی چند سال گذشته با مطالعه عوامل اجتماعی این محققین توانستند به درک بهتر و تجزیه و تحلیل عمیق تری از آثار این عوامل اجتماعی بر روی واحدهای اقتصادی دست یابند. رهنمودهای تکنیکی در

حسابداری مدیریت بر روی پیشنهادات کلان قطعی و اقتصادی محور که در سال های اخیر توسعه یافته اند، استوار است. گروهی از محققین حسابداری، رویکرد هایشان را به علت عدم تجانس و تنوع در زمینه های مختلف تعدیل کردند و تلاش نمودند تا به حقیقت اجتماعی - فرهنگی بیشتر نزدیک شوند.

در طی سال های گذشته، یک سری قابل توجهی از سازمان ها و پدیده های سازمان یافته، نشریه ها و شبکه ها، تحقیقات اجتماعی را درباره شرکت ها در حسابداری به راه انداخته اند؛ با وجود این، در بین دانش پژوهان این زمینه (حسابداری به عنوان علوم اجتماعی) نبود متونی که چشم اندازهای خاص را به انجمن های علمی نوظهور بصورت ماهرانه بیان کنند به عنوان یک مشکل لاعلاج، سبب تأسف می شود. تحقیقی که «حسابداری مدیریت چیست» نامیده شد، نیز نشان داد که تغییرات متناسب از طریق درک اجتماعی مسائل تأثیر می پذیرند. (D)

تئوری های اثبات گرا، اشکالاتی را برای تحقیقاتی که تا سال 1970 وجود داشت، بیان نمودند. این تئوری های اثبات گرا حسابداری مدیریت را به عنوان یک متغیر درونی همراه با ساختار سازمانی، فرآیندهای تولیدی، محیط و غیره در نظر گرفتند. این فعالیت های تحقیقی بر اثبات هر یک از فرضیه ها و انجام دادن تحقیق تجربی تأکید زیادی داشتند. تئوری های اثبات گرا، سیستم ها را به بخش های مجزا تفکیک می کنند و سپس با مطالعه این بخش ها درباره کل سیستم آگاهی کسب می کنند. بعنوان یک عکس العمل، گروهی از اساتید دانشگاه ها از شیوه های تحقیقی و دیدگاه های معرفت شناختی حمایت کرده و اعلام داشتند رویکردهای تفسیری و یا انتقادی نسبت به شیوه های دیگر جهت گردآوری اطلاعات کیفی در یک علم اجتماعی - اقتصادی مناسب تر هستند. مطالعه موردی یک ابزار متدولوژی مناسب جهت ساختن تئوری های جدید می باشد.

شیوه های تحقیق شناختی

پس از سال 1960، تحقیقات حسابداری یک علاقه فزاینده و ناگهانی به اهداف شناختی را نشان دادند. این امر سبب شد تا تجزیه و تحلیل های سودمدارانه سنتی فرصت تکمیل شدن پیدا کنند. براساسی، تحقیقات تجربی در حسابداری مدیریت تا سال 1970، زیاد مورد استفاده قرار نگرفته بود. تا آن زمان موضوع مورد علاقه این بود که چطور حسابداری مدیریت واقعاً در عمل اجرا شود. در این دوران محققین، ارتباطات و نقش سیستم های حسابداری مدیریت را در درون سازمان ها مورد بررسی قرار می دادند. این مطالعات از شیوه ها و متدولوژی های اثبات گرایانه استفاده می کردند. یکی از رویکردهای تجربی که مورد استفاده قرار گرفت، تئوری احتمال بود. هرچند که استفاده از این تئوری در کل موفقیت آمیز نبود و ایستا بودن یکی از محدودیت های مهم آن بود. تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر، به شرایطی که شرکت در آن فعالیت می کند (محیط شرکت)، مربوط است. از یک منظر معرفت شناختی، نخستین رویکردهای شناختی که در C استفاده شدند به گونه ای نزدیک و برجسته باشیوه های تحقیقی که در علم آمار و اقتصادسنجی استفاده می شوند، مرتبط می باشند. ایجاد و تدوین قوانین جهانی مربوط به حقایق مشاهده شده، هدف نهایی اینگونه رویکردهاست. اینگونه رویکردها بگونه ای آشکارا اقتصادی محور بوده و از متدولوژی هایی که در بخش های دیگر علوم اجتماعی ایجاد شده، استفاده نمی کنند. در واقع تحقیقات از نوع تحقیق C امروزه بنیادهای اقتصادهای نئوکلاسیکی را حفظ می کنند. این نوع تحقیق (تحقیق از نوع C) سایر عوامل محرک مؤثر و سیاسی را برای فهم این موضوع که چطور و چرا حسابداری مدیریت ارائه می شود، در نظر نمی گیرد. با وجود این، تحقیقات از نوع C یک برنامه شناختی را که بوسیله اثبات گرایی هدایت می شود، ارائه می دهد که یک گام مهم روبه جلویی را برای حسابداری مدیریت بعنوان یک علم اجتماعی فراهم می آورد.

بنا به تئوری Bunge ترکیب دو هدف (سودمدارانه و شناختی) پیشرفتی کافی برای تحقیق در یک علم اجتماعی را فراهم می آورد ولی وجود چنین شرایطی نیز برای توسعه مناسب یک علم اجتماعی همانند حسابداری مدیریت کافی نمی باشد.

برخی از محققین رشته حسابداری مدیریت علاقه برای مطالعه حقایق اجتماعی از خود نشان دادند. این دسته محققین تلاش کردند تا در جهان واقع و در مسائل اجتماعی بفهمند که «حسابداری مدیریت چیست» (C) و چگونه در برخورد با مسائل جامعه عمل می کند.

ناهماهنگی هایی (بی ثباتی هایی) جهت حمایت از یافته های آنها از طریق تئوری های موجود (A) (پدیدار شدند. در طول دهه 1980 تئوری های جدید ارائه شدند (B) و همزمان شیوه های شناختی جدیدی بکار برده شدند. بنابراین گروه زیادی از محققین حسابداری از این موضوع که فعالیت های تجربی در حسابداری مدیریت (D) شاید از طریق شیوه های مطالعه موردی تقویت یافته است، حمایت کردند. دلایل این حمایت در بکارگیری مطالعات موردی در حسابداری مدیریت متنوع بود. مطالعات موردی، به محققین و همچنین به مجریان تکنیک های حسابداری مدیریت اجازه می دهند تا شیوه های بکار گرفته شده سیستم های حسابداری مدیریت در سازمان ها را درک کنند. روش مطالعه موردی، آزمایش فشرده ای را بر روی مقدار کمی از سازمان ها و یا یک سازمان به مرحله اجرا درمی آورد. این آزمایش، توصیفی از موقعیت جاری و کنونی بخش هایی مانند قسمت های اداری و سازمانی فراهم می آورد. در اینگونه مطالعات، اطلاعات از طریق جنبه های کیفی و تفسیر زمینه ای که شرکت در آن مورد مطالعه قرار می گرفت، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مطالعه موردی نقش مهمی را در درک این مطلب که چرا مشکلات در تئوری های حسابداری و شیوه ها و نحوه عمل های برگرفته شده از کشورهای دیگر بگونه ای مهم پدیدار می شوند، بازی می کند. برای مثال رویه های حسابداری مورد استفاده در کشوری مانند ژاپن بگونه ای بارز از فرهنگ ملی و محیط اجتماعی آن تأثیر می پذیرند. در صورتی که ما بخواهیم این رویه های حسابداری را در سایر کشورها و از جمله در کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا بکار گیریم، نیازمند تعدیلاتی خواهیم بود (بدلیل تفاوت در پارامترهای فرهنگی، محیط اجتماعی، وضعیت سیاسی و غیره)

اصلاح ضعف های موجود در تحقیق و در عمل

تحقیق در یک علم اجتماعی و بدنبال آن تحقیق در حسابداری مدیریت، یک فعالیت و یا یک کار است که محقق باید با یک ذهن باز و بدون از تعصب انجام دهد. هدف نهایی از انجام اینگونه تحقیقات کسب دانش و یا بدست آوردن شناختی از یک پدیده خاص و بین رشته ای است. محققینی که در این زمینه کار کرده اند (تحقیق در حسابداری مدیریت و تحقیق در علوم اجتماعی) از چارچوب های تئوریک متفاوت و متنوع بگونه ای گسترده استفاده کرده اند (چارچوب های اجتماعی، انتقادی، روانشناختی و غیره). اغلب این چارچوب ها امروزه نیز مورد استفاده می باشند. همزیستی مسالمت آمیز چارچوب های مختلف (مخصوصاً آنهایی که انتقادی هستند) پیشرفت و توسعه علمی در حسابداری مدیریت را در بلند مدت تضمین خواهند کرد.

در کل اگر فاصله یا شکافی میان یافته های محققین و نحوه عمل های مورد نیاز جامعه و مجریان برنامه های تحقیقی وجود داشته باشد، موفقیت و مقبول بودن این نوع برنامه های تحقیقی تضمین نخواهد شد. عبارتی در نظر نگرفتن نیازمندی های واقعی جامعه در برنامه های تحقیقی موجب شکست آن تحقیق می شود و سبب می شود که اثرات نامطلوبی در جهان واقع بگذارد.

نتیجه گیری

بعنوان یک نتیجه گیری کلی، ما فکر می کنیم که تحقیق در یک علم اجتماعی نمی تواند صرفاً اهدافش را بر روی شناخت موضوع تحت مطالعه اش متمرکز کند (تحقیق شناختی). علوم اجتماعی نیازمند آن است تا راه حل هایی را کشف و ایجاد نماید که بتواند از طریق این راه حل ها بر روی

مسائل اجتماعی متفاوت و گوناگون کنترل های لازم و بموقع را داشته باشد (تحقیق سودمدارانه). جهت توسعه علم اجتماعی ضروری و لازم است که هر دو رویکرد سودمدارانه و شناختی بگونه ای هماهنگ و متناسب توسعه یافته و از همدیگر تأثیر بگیرند. امروزه وجوه مشترک و نقاط تلاقی فراوانی در بین تحقیقات از نوع شناختی و سودمدارانه وجود دارد. در مرحله اول پس از یک گام تحقیق عمقی که سبب می شود حسابداری مدیریت به مسائل اجتماعی نیز توجه کند، یک توسعه سطحی و ظاهری بوجود می آید. در مرحله دوم نتایج حاصله از تحقیق عمقی توسعه می یابد، تحکیم یافته و بکار گرفته می شود، یا بعنوان راه دیگر رد شده و مورد پذیرش جامعه علمی قرار نمی گیرد. حسابداری مدیریت بعنوان یک شاخه از علوم اجتماعی نیازمند یک اندیشه تکاملی و بین رشته ای می باشد. این اندیشه دارای یک بعد تجربی و یک بعد تئوری است. بعد تئوریک به گفتگو و مذاکره میان چشم اندازهای تئوریک متفاوت تأکید می کند. یافته های تحقیقات انجام شده بویژه در تحقیقات موردی از بعد تجربی حمایت می کنند. مطالعات موردی یک چاقوب شناختی برای حسابداری مدیریت جهت بررسی حقایق فراهم می آورد. مطالعات موردی برای محققین حسابداری دیدگاهی ساختاری برای تفسیر حسابداری در سازمان ها و جامعه فراهم می آورند. با استفاده از مطالعات موردی، این مطالعات مورد بررسی قرار می گیرد که چطور سازمان ها و افراد به این موضوع پی می برند که تکنیک های حسابداری امکان پذیر و شدنی هستند؟ درک و شناخت از یک راه حل می تواند سبب شود تا در زمان اجرا بسیاری از مشکلات ایجاد شده به سهولت برطرف گردد. برعکس راه حلی که از طریق جایگزینی مور استفاده قرار گیرد، با مشکلات فراوانی در مرحله اجرا روبرو می شود. مطالعات موردی به محقق اجازه نظریه پردازی درباره پدیده های مختلف اجتماعی می دهد و همچنین شناختی غنی، با در نظر گرفتن حقیقت وقایع برای محقق فراهم می آورند. تحقیقات اجتماعی در حسابداری مدیریت در دوران کنونی نیازمند تجدید نظر اساسی می باشند.

منابع و مأخذ

- Barrachina, Mercedes;vincente Ripoll ;Susana gago(2004),”social research evolution in management : reflection using bungenes theory” **Critical Perspectives on Accounting** 15, 701–713
- Hopper, T; Storey, J; Willmott, H (1987),” Accounting for accounting: Towards the development of a dialectical view”, **Accounting, Organizations and Society**, 12, 437–456.
- Hoskin, K. (1994).” Boxing clever: For, against and beyond Foucault in the battle for accounting theory”, **Critical Perspectives on Accounting**, 5, 57–85.
- Kuhn, T. (1962);”The structure of scientific revolutions”. **Chicago London: University of Chicago Press.**
- MacKenzie, D; Millo, Y (2003). “Constructing a market, performing theory: The historical sociology of a financial derivatives exchange.” **American Journal of Sociology**, 109, 107–145.
- Neimark, M. (1990).” The king is dead, long live the king” **Critical Perspectives on Accounting**, 1, 103–114.
- Vollmer, hendrik(2008),”management accounting as normal social science” **Accounting, Organizations and Society**, 34,141–150

